



# تلنگرچی در «واحد تلنگر»

نوشته:

دکتر دیوید هالپرن

رئیس «تیم بینش‌های رفتاری» بریتانیا

ترجمه:

دکتر بهنام شهائی

## فهرست مطالب

- سخن مترجم..... ۱۷
- سخن ریچارد تیلر (برندهٔ جایزهٔ نوبل اقتصاد ۲۰۱۷)..... ۲۳
- پیش‌گفتار نویسنده..... ۳۱
- نگاهی متفاوت به مردم و دولت..... ۳۶
- آزمایشی در دولت..... ۴۱
- نقشه‌راه اجمالی کتاب..... ۴۳

### **بخش اول: تاریخچهٔ تلنگرزی**

- فصل اول: گام‌های اولیه..... ۴۹
- هنر اقناع..... ۵۱
- تلنگر چیست؟..... ۵۸
- از آزمایشگاه به خط‌مشی: سه جریان پژوهشی..... ۶۰
- بینش‌های رفتاری و دولت: تکاپوهای اولیه..... ۶۹
- گامی دیگر..... ۷۴
- فصل دوم: راهیابی تلنگرزی به جریان اصلی..... ۷۹
- اوباما و سانستین: ورود تلنگرزی به واشنگتن..... ۸۰

- ۲۵۶ ..... سرقت: تلفن همراه
- ۲۶۰ ..... اطلاعاتی که سردر بیاورید
- ۲۶۴ ..... ایجاد تلنگرهای بهتر با داده‌های بهتر
- نتیجه‌گیری: آشکارسازی داده‌ها در کنار «علم رفتاری» می‌تواند شکل بازارها را عوض کند و عملکردی بهتر از تنظیم مقررات سنتی داشته باشد ..... ۲۶۹
- فصل هشتم: رویکرد متفاوتی به چالش‌های خط‌مشی بزرگ ..... ۲۷۱
- سوژهٔ عجیب سیگارهای الکترونیکی ..... ۲۷۳
- آغاز نبرد واقعی ..... ۲۷۷
- بازگشت به کار ..... ۲۸۷
- روشن کردن موتور اقتصاد ..... ۲۹۸
- تکان دادن به نقدینگی ..... ۲۹۹
- اعتماد و قبول طرح‌واره‌های دولتی ..... ۳۰۳
- هر نبردی به پیروزی ختم نشد ..... ۳۰۶
- نتیجه‌گیری ..... ۳۰۹
- فصل نهم: بهروزی: تلنگر زنی به خود و دیگران برای زندگی شادمان ..... ۳۱۵
- ریشه‌های اولیه ..... ۳۱۸
- اندازه‌گیری بهروزی: از «تولید ناخالص داخلی» به بهروزی ذهنی ..... ۳۲۰
- آیا دولت‌ها به فکر بهروزی نیستند؟ ..... ۳۲۳
- راهیابی بهروزی به جریان اصلی ..... ۳۲۵
- اندازه‌گیری بهروزی ذهنی ..... ۳۲۸

۴۶۴	.....	ترمیم خط‌مشی‌گذاری
۴۶۷	.....	چالش‌های جدید
۴۶۹	.....	تحریک اجتماعی و تهیدستی دنباله‌دار
۴۷۲	.....	تعارض و کشمکش
۴۷۳	.....	شواهد درباره‌ی شواهد: گسترش حکومت و عمل بهتر
۴۷۶	.....	خویش‌شناسی
۴۷۸	.....	کلام آخر

«بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین خوشی مادر این جهان، پرده‌برداری از حقایق جدید و سپس رهایی از تعصبات کهن است».

### فردریش کبیر

رهبران و مقامات اروپایی در دههٔ ۱۷۰۰ به دلشوره افتادند. جمعیت آنها رشد داشت، اما غذای زیادی وجود نداشت. خطر خشکسالی همواره در کمین بود و باعث قحطی گسترده و نیز جنگ و انقلاب می‌شد. اتکای بیش از اندازه بر گندم یا هر تک محصول زراعی دیگری موجب بروز خطر بزرگی می‌شد. اگر محصولات زراعی به بار نمی‌نشست، فاجعه پیش می‌آمد.

برخلاف این پیش‌زمینه، ورود سیب‌زمینی به اروپا اهمیت سیاسی و راهبردی زیادی داشت. اما مسئلهٔ بزرگی در میان بود. سیب‌زمینی برای کسانی که با آن آشنائیت نداشتند، مادهٔ غذایی عجیب و نسبتاً نچسبی بود. سیب‌زمینی، طعمی ناآشنا و پوچ داشت. کمتر کسی از شیوهٔ رشد آن سردر می‌آورد: ساقه‌ها سیب‌زمینی را در زیر خاک تولید می‌کند، نه اینکه مثل گندم و غلات از خاک بیرون بزنند. حتی کلیسا نیز سیب‌زمینی را قدغن کرد؛ بر اساس این استدلال که اسمی از سیب‌زمینی در کتاب مقدس برده نشده، اما گندم در شکل نان معرّف کالبد حضرت مسیح است.

رهبران اروپایی برای ترغیب آدم‌ها به مصرف سیب‌زمینی، از انبوهی از



راه‌ها بهره‌بردار شدند و حتی برخی از رهبران برای الزام مردم به کشت سیب‌زمینی، قوانینی صادر کردند. «فردریش کبیر» علاقه خاصی به سیب‌زمینی پیدا کرد و به این باور رسید که سیب‌زمینی می‌تواند از قیمت نان بکاهد و بخش زیادی از کمبود حبوبات در دوره بحران را برطرف کند. او در سال ۱۷۴۴ سیب‌زمینی را در رژیم غذایی نظامی‌ها گنجانده و در راستای تحریک مصرف و کشت سیب‌زمینی حدوداً پانزده حکم صادر کرد. اما مقاومت در برابر مصرف و کشت سیب‌زمینی، شدت یافت.

فردریش در خلال خشکسالی سال ۱۷۴۴ دستور کشت ملی سیب‌زمینی را صادر کرد. مردم شهر کولبرگ و سایر شهرها گفتند: «سیب‌زمینی نه بوداره نه طعم، حتی سگ‌ها هم لب‌نمی‌زنن، پس چه استفاده‌ای واسه ما داره؟». واکنش اولیه فردریش «تنه‌زدن»<sup>۱</sup> بود، نه «تلنگرزدن»<sup>۲</sup>: او تهدید کرد گوش و بینی هر دهقانی را که سیب‌زمینی نکارد، از بیخ می‌برد. با این حال، دیری نپایید که او تغییر رویه داد. در زبان مدرن می‌گوییم که او اندکی روانشناسی به کار برد. فردریش به جای صدور تهدیدهای بیشتر، به سربازان خود دستور داد که حفاظ‌های سنگین و مشهودی حول مزارع سلطنتی سیب‌زمینی بکشند و ضمناً به آنها گفت که در حراست از آن مزارع عمداً سهل‌انگاری نکنند. همزمان، مدح پادشاه از سیب‌زمینی به گوش دهقانان محلی رسید و آنها نیز با کمین در اطراف مزارع سلطنتی در صدد سرقت و کشت محصولات برآمدند. سیب‌زمینی‌های زیادی در مدت کوتاهی به یغما رفت و دیری نپایید که سیب‌زمینی به طرز گسترده‌ای کشت و مصرف شد.

1. Shoving

2. Nudging



مداخله‌های فردریش، مثال جالبی از محدودیت‌های صدور قوانین و مجازات‌ها و نیز قدرت رویکرد ظریف‌تر به تغییر رفتار، در اختیار می‌گذارد و از قضا رویکرد ظریف، جواب هم داد. در جنگ چندساله‌ای که بعدها درگرفت، اهالی پروسیا، برخلاف بسیاری از کشورهای رقیب، قحطی نداشتند یا با کاهش جمعیت خود مواجه نشدند. با آنکه نظامی‌ها می‌توانستند انبارها را به غارت ببرند، اما احتمال غارت سیب‌زمینی‌های کاشته‌شده در خاک خیلی کم بود. پذیرش سیب‌زمینی، جان خیلی از آدم‌ها را نجات داد و پروسیا هم قدرت حاکم بر منطقه باقی ماند.

## هنر اقناع

فردریش تنها رهبری نبود که از «اجبار»<sup>۱</sup> به جایگزین لطیف‌تر آن «اقناع»<sup>۲</sup> روی آورد. از دوران باستان، رهبران درصدد برآمده‌اند تا با تندیس‌ها و مقبره‌هایی که قدرت، حکمت و سایر ویژگی‌های رهبران را می‌رساند، پیروان خود را تحت تأثیر قرار دهند. «هنری هشتم» کاخ خود در «دربار همپتون» را با میلیله‌دوزی‌های نفیسی آراست تا نه تنها ثروت و قدرت خود را به رخ بکشاند، بلکه با الهام از داستان «حضرت ابراهیم» ذهنیت خود و رعیت نابالغ خود از تقدیر و سرنوشت را به یک شکل درآورد. همین‌طور، تصاویر ایستاده او و نیز قدرت و ثروتی که آن تصاویر فرافکنی می‌کند، هنوز هم ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خیلی از مردم اعتقاد دارند که تصویر «هنری هشتم»، تمثال دقیقی از شخصیت یک پادشاه است.

1. Force

2. Persuasion